

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان

سال اول، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۴

معرفی کتاب:

حقوق سیاسی - اجتماعی زنان، قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی *

تهیه کننده: مهدی زروندی

اشاره

جایگاه و نقش زنان، با توجه به محدودیتهای مختلف آنها، موضوعی قابل تحقیق است.

شناسایی و تحلیل حقوق زنان در سده های اخیر اهمیت زیادی پیدا کرده است؛ زیرا با تحولات فکری، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، این قشر در پی ایفای نقش موثرتر و آشکارتری در جامعه بوده و به این منظور حقوق سیاسی و اجتماعی متعددی را مطالبه کرده اند. این مطالبات و تلاشها که گاه، به صورت حرکت های فکری، سیاسی و اجتماعی گسترده و گاه با ابعاد جهانی ظاهر گردیده،

* طفرانگار، حسن، (۱۳۸۳)، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

شکل گیری میثاقها، کنوانسیونها، تشکیل کنفرانسها و صدور بیانیه ها و تنظیم اسناد بین المللی، حقوق زنان در عرصه های مختلف، نظمی حقوقی یافت. از سال ۱۹۰۴ مصوبات بین المللی، تا جلسات جهانی سال ۱۹۹۵ پکن، به صورت غیر مستقیم و کلی و یا به صورت خاص، به حقوق زنان اشاره شده و در آنها برای شناسایی و تضمین حقوق سیاسی - اجتماعی آنها تلاش شده است. با وجود این توفیقها، حقوق سیاسی - اجتماعی زنان در هر کشور متناسب با نوع نظام سیاسی، فرهنگ، ارزشها، آداب و رسوم اجتماعی آن کشور محقق شده است.

در کشور ایران، حقوق سیاسی، اجتماعی زنان در جریان نهضت مشروطه و پس از آن مورد توجه قرار گرفت و در دوران پهلوی اول و دوم در سطح گسترده ای وارد مباحث سیاسی، حقوقی و اجتماعی گردید.

آنچه در فاصله ی بین دو انقلاب (مشروطه و انقلاب اسلامی) درباره ی حقوق زن ایرانی اتفاق افتاد، خالی از مناقشه نبود. وجود فرهنگ و ارزشهای اسلامی، ملی، بومی ازسویی و طرح دیدگاههای فمینیستی طرفدار تساوی حقوق زن و مرد و رهایی زنان از سوی دیگر، عرصه ای برای بروز دیدگاههای مختلف و متعارض فراهم کرد.

وقوع انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، نگاهی دوباره به حقوق زنان و طرد برخی از دیدگاهها و روندهای گذشته را می طلبد. این بار حقوق زنان در چارچوب ارزشهای دینی و انقلابی طرح شد و متون قانونی بویژه قانون اساسی در همین چارچوب حقوقی برای زنان شناسایی و تضمین نمود.

معرفی کتاب

کتاب حاضر؛ در چهار بخش و ۲۷۴ صفحه تدوین شده است. دربخش

اول دیدگاه‌های مختلفی درباره حقوق و جایگاه زنان در اجتماع مورد بررسی قرار گرفته است .

فصل اول این بخش به حقوق و جایگاه زنان جهان اختصاص دارد و در گفتار اول ، این جایگاه را قبل از انقلاب صنعتی در جوامع ابتدایی و دوران کشاورزی مورد بحث قرار می دهد و گفتار دوم این فصل به پس از انقلاب صنعتی پرداخته و اقداماتی همچون جنبشها و به خصوص جنبش های اجتماعی زنان ، فمینیسم و تجربه کشورهای فاشیستی و کمونیستی را در این خصوص مورد تحلیل قرار می دهد . گفتار سوم این فصل به بررسی وضعیت اجتماعی زنان در اسناد بین الملل عام و اسناد بین المللی خاص توجه دارد .

در فصل دوم از این بخش به حقوق و جایگاه زنان در ایران می پردازد و در ابتدا جایگاه حقوقی زنان از دوران باستان تا پس از ورود اسلام به ایران مورد بررسی قرار داده و به ترتیب، زنان را در طبقات بالای جامعه و توده های زنان در سطح کل جامعه بررسی نموده است . گفتار سوم این فصل به بررسی حقوقی جایگاه زنان در دوران قاجاریه اختصاص یافته است .

فصل سوم از بخش اول این کتاب به حقوق و جایگاه زن در اسلام پرداخته و در آن مباحثی همچون نگرش اسلام به زن در گفتار اول مورد کنکاش قرار گرفته است . گفتار دوم این بخش به حقوق سیاسی ، مدنی و قانونی زنان ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی زنان از دیدگاه اسلام، توجه کرده است .

بخش دوم ؛ به حقوق سیاسی - اجتماعی زنان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص دارد. نویسنده این بخش را در دو فصل با عناوین حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی ، جمع آوری و تدوین کرده است .

در فصل اول این بخش که مربوط به حقوق سیاسی است، ابتدا نگرشی بر وضعیت سیاسی جامعه در دوره پهلوی دارد سپس به نحوه حضور زنان در انتخابات و نقش آنها در مدیریت سیاسی جامعه اشاره می نماید و در هر قسمت، به حضور و سهم زنان در داشتن حق رای، مدیریت سیاسی جامعه، وزرات و نمایندگی مجلس، پرداخته است. گفتار سوم فصل اول به نگرش دولت مردان پهلوی به زن و نفوذ ابزاری زنان در سیاست اشاره می نماید.

در فصل دوم، حقوق اجتماعی زنان، ابتدا نگاهی به وضعیت اجتماعی زنان دوره پهلوی دارد و سپس به وضعیت اقتصادی و اشتغال زنان در این دوره می پردازد و در ادامه به مباحثی همچون تامین اجتماعی، بهداشت و درمان و حقوق فرهنگی زنان پرداخته است. مبحث دوم مربوط به آموزش های غیر رسمی رسانه های جمعی است که حضور زن و ابزارهای هنری و نقش زن در دوره پهلوی را در این عرصه به رشته تحریر در آورده است. تاثیر مطبوعات و اثر گذاری زنان در عرصه بررسی و مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سینما را مورد مذاقه قرار داده و ناهنجاریها و هنجارهای به وجود آمده ناشی از حضور زن در این عرصه را بررسی می کند.

بخش سوم این کتاب؛ به بررسی حقوق سیاسی اجتماعی زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص دارد. فصل اول این بخش، حقوق سیاسی و مطالبات زنان در سیاست را بررسی نموده است و در ابتدا به صورت اجمالی وضعیت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را مورد کنکاش قرار می دهد. او در این قسمت فرآیند انقلاب و حضور زنان در همه پرسی ها را تشریح کرده است.

نویسنده همچنین حضور زنان را در مشارکت دوران دفاع مقدس و نقشی که برای آنها در برنامه توسعه در نظر گرفته شده مورد توجه قرار داده است. در بحث

کارکرد زنان در حوزه های سیاست مخصوصاً حضور زنان در عرصه های مدیریت سیاسی ، رهبری ، ریاست جمهوری وزرات و نمایندگیهای مجلس شورای اسلامی، با توجه به قانون اساسی و تمهیدات در نظر گرفته شده ، به این اشاره کرده و محدودیتهای حضور آنان را در بعضی از عرصه ها با توجه به فقه و قانون توضیح داده است .

مبحث سوم این فصل ، به سازمانهای ویژه زنان می پردازد و سازمان زنان را در کنار حضور در عرصه ی مدیریت سیاسی و حضور در رای گیریها و انتخابات به عنوان نوع دیگری از مشارکت سیاسی زنان ، مورد توجه قرار می دهد. دلیل این امر را وجود این سازمانها در جامعه و ادامه حیات سیاسی را با توجه به تمام عوارض و گرفتاریهای خاص آنها و تحمل این عوارض ، می داند . ضمن اشاره به سابقه به وجود آمدن این سازمانها تعدادی از آنها را به اختصار بررسی کرده است .

فصل سوم این بخش به حقوق اجتماعی زنان در جامعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص دارد او تصریح می کند، هیچ دوره ای را در تاریخ ایران و اصولاً هیچ کشوری نمی توان یافت که زنان مطلقاً از حضور اجتماعی محروم باشند و حتی در دوره هایی که جامعه شاهد بسته ترین نظام های سیاسی و اجتماعی بوده است ، زنان کم و بیش در جامعه حضور داشته اند و از حقوق اجتماعی خود هرچند اندک ، بهره جسته اند . با این حال انقلاب اسلامی ایران را در زمینه ی حقوق اجتماعی زنان باید نقطه عطف قابل توجهی به شمار آورد . زیرا به سبب آن ، هم چنان که زنان در عرصه سیاسی فعالانه مشارکت از خود نشان دادند ، در عرصه های مختلف اجتماعی نیز ، فرصتهای بی نظیری به دست آوردند ، بعضی از فعالیتهای اجتماعی زنان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به

مراتب بیشتر شد. در همین زمینه نویسندگان به حقوق اجتماعی و اقتصادی در بحث اول، اشتغال زنان را از دهه نخست پس از انقلاب اسلامی بررسی می‌نمایند و اذعان می‌دارند که در این دهه اشتغال زنان از $13/8$ به $8/9$ درصد رسید که بیشترین میزان کاهش مربوطه به بخش خصوصی بوده است. علل این کاهش را مفصل بررسی کرده است. ولی در دهه دوم و نیمه دهه سوم این درصدها بالا رفته به طوری که 35 درصد اعضای هیات علمی دانشگاهها را زنان تشکیل می‌دهند. $28/9$ درصد زنان یا مدیر کل هستند یا در پستهای مشابه مدیر کلی مشغول به کارند. میزان دست مزد زنان در سازمانهای دولتی در حال حاضر 80 به 100 است که با توجه به آمار سال 1994 سازمان ملل رقم مناسبی است.

مبحث دوم این فصل وضعیت تامین اجتماعی، یعنی برخورداری زنان از تامین اجتماعی و داشتن رفاه مطلوب در زندگی و بهره مندی از امکانات بهداشتی و درمانی به هنگام بیماری و هم چنین احساس امنیت در برابر تهدیدهای مختلف است، که در جمهوری اسلامی ایران به آن توجه شده و در قانون اساسی کشور گنجانده شده است، بحث سوم این فصل به رفاه اجتماعی که امری نسبی محسوب می‌شود اشاره دارد و سطح آن را در هر کشوری متفاوت از دیگر کشورها می‌داند، و با پیشرفت سریع علم و سطح رفاه بشری هرروز بالاتر می‌رود، در نتیجه نمی‌توان شاخص‌های معین و همسانی را برای ارزیابی رفاه اجتماعی تعیین نمود و یا حدی را برای آن تصور کرد. در ادامه نویسندگان به بررسی این گونه امکانات و وضعیت رفاه اجتماعی در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره دارد و آن را نشانگر افزایش قابل توجه، این وضعیت، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دانسته است.

در مبحث چهارم این فصل، مولف وضعیت تامین اجتماعی زنان را بررسی نموده و معتقد است زنان در مقایسه با مردان وضعیت شکننده تری دارند و بیش از آنان در معرض تهدیدات و آسیب های مختلف قرار می گیرند و امنیت آنان به شیوه های گوناگون تهدید می گردد، در حالی که خود زنان کمتر امنیت دیگران و جامعه را تهدید می کنند. چنانکه در تمام کشورها از مجموع زندانیان تنها پنج درصد آنان، زنان هستند که بیشتر جرایم آنان نیز در زمینه ی مواد مخدر است.

نویسنده ضمن بررسی آسیب های مختلفی که زنان در جوامع مختلف در معرض آنها قرار می گیرند، به مجازاتهایی را که متعرضین به زنان انجام می دهند اشاره کرده و نتیجه می گیرد که از نظر تهدید و آزارهای جنسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، زنان از امنیت بسیاری برخوردار شده اند، ولی در کشورهای پیشرفته، زنان از این نظر موقعیت نامناسبی دارند. در مورد بهداشت درمان، وضعیت زنان در این بخش در جمهوری اسلامی ایران، یکی از ضوابط اقتصاد کشور تامین نیازهای اساسی از قبیل مسکن، خوراک، پوشاک، درمان آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای تمام افراد محسوب شده است. بررسی وضعیت عرضه این خدمات در سالهای پس از انقلاب نیز نشان می دهد که با وجود مشکلات مختلف برای نیل به این اهداف، تلاشهای قابل توجهی صورت گرفته است و طبق آمار و ارقام سالهای قبل از پیروزی انقلاب و بعد از آن را مقایسه نموده که به این نتیجه رسیده است.

مبحث بعدی این فصل به وضعیت اوقات فراغت زنان که پس از پیروزی انقلاب اسلامی جز زمینه ورزش هیچ گونه تبعیضی میان زنان و مردان وجود نداشته است و زنان نیز همانند مردان توانسته اند از این امکانات برای گذراندن سالم اوقات فراغت، استفاده نمایند.

گفتار دوم از بخش سوم، به حقوق فرهنگی زنان در جامعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص دارد. نویسنده ابتدا بحث آموزش و تحصیلات را در افزایش کیفیت زندگی تک تک افراد و توسعه کلی کشور مهم تلقی کرده که بخصوص درباره ی زنان و دختران اهمیت بیشتری می یابد؛ زیرا عموماً به نقش زنان در عرصه های مختلف جامعه توجه نمی شود و اهمیت آن چنانکه باید، درک نمی شود. با این حال، مطالعات انجام گرفته نشان می دهد که زنان بویژه زنان روستایی و عشایری به دلیل وظایف و کارهای خاصی که برعهده دارند، در حمایت و حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست، کاربرد و صرفه جویی، مصرف انرژی، کاهش ضایعات و استفاده ی مجدد از آن و مقابله با آلودگی آب و هوا، نقش بسیار مهمی دارند و اهمیت این سرمایه های هنگفت ملی، نشان می دهد که نقش زنان چقدر پر اهمیت است و به همان ترتیب، آموزش در افزایش و بهبود نقش آنها موثر می باشد. مبحث دوم این گفتار به رسانه های جمعی، فرهنگ و هنر اختصاص یافته است. نویسنده در این بحث آورده؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فرهنگ در مقایسه با بخشهای دیگر، توسعه ی کمتری یافته است و در سبب مصرف خانوارها، هزینه های فرهنگ و هنر، سهم کمتری داشته است. دلیل آن را وجود پاره ای ابهامات فقهی و ارزشی در مبانی نظری محصولات فرهنگی، کمبود سرمایه گذاری در این زمینه، نبود ارتباط مناسب میان هنرمندان و حوزه های متفاوت هنر و اندیشه، کم درآمدی اقشار زیادی از مردم، تبلیغات منفی و... می داند.

بخش چهارم این کتاب تحت عنوان بررسی مقایسه ای حقوق زنان پیش و پس از انقلاب اسلامی نام دارد. نویسنده این بخش را در دو فصل ۱- تحولات ایجاد شده در زمینه ی حقوق سیاسی زنان و ۲- تحولات ایجاد شده در زمینه ی

حقوق اجتماعی زنان، بررسی نموده است. در ابتدای هر فصل، ابتدا دیدگاههای موجود در این زمینه را بررسی و تغییرات دیدگاههای قبل و بعد از انقلاب را نیز مرور کرده و سپس فراهم شدن زمینه های لازم، برای مشارکت سیاسی زنان را مورد بحث قرار داده است و در پایان مباحث نیز نتیجه گیری کلی از مباحث مطروحه در چهار بخش را بیان کرده است و در آخر کتاب منابع مورد استفاده جهت تالیف کتاب را بر مبنای حروف الفبا ذکر کرده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی